

اخبار حوادث

مرگ سردار سپاه به خاطر فرار یک گلوله

فرمانده قرارگاه ثامن الائمه(ع) نیروی زمینی سپاه، حین بررسی و تنظیف سلاح انفرادی خود از ناحیه سر دچار سانحه شد و به لقاءالله پیوست.

روابط عمومی نیروی زمینی سپاه در اطلاعیه‌ای با اعلام خبر عروج شهادت گونه فرمانده قرارگاه ثامن الائمه(ع) (زن‌سلا)نیروی زمین سپاه)، آن را تسلیت گفت.

روابط عمومی نیروی زمینی سپاه در اطلاعیه‌ای اعلام کرد: صبح دیروز یکشنبه ۲۵آذر ماه سال جاری سردار سر تیپ پاسدار قدرت‌الله منصورى فرمانده مخلص قرارگاه ثامن الائمه(ع) نیروی زمینی سپاه ، حین بررسی و تنظیف سلاح انفرادی خود از ناحیه سر دچار سانحه‌شد و به‌لقاءالله پیوست.

مرحوم سردار منصوری از دوران دفاع مقدس ایثار گرانه در جبهه‌های حق علیه باطل حضور یافت و پس از دوران ۸ ساله مقاومت و ایستادگی نیز مسئولیت‌های خطیری را در فرماندهی تیپ ۲۱ امام رضا(ع)، فرماندهی لشکر ۵ نصر و فرماندهی قرارگاه قدس برعهده داشت و از سال ۱۳۹۳ با حکم فرمانده کل سپاه به سمت فرماندهی قرارگاه ثامن‌الائمه(ع) نیروی زمینی سپاه منصوب شد.

■ ■ ■

تیر خلاص یک مرد

بعد از شلیک به زش در جلفا

خودکشی با تفنگ شکاری بعد از قتل همسر در جلفا صحنه دلخراشی را رقم زد.

احمدی دادستان عمومی و انقلاب شهرستان جلفا از فوت یک نفر در شهرستان به ضرب گلوله خبر داد.

احمدی افزود: به دنبال اختلافات درون خانوادگی بین زن و شوهر در شهرستان، شوهر با اسلحه شکاری، به طرف همسر خود تیراندازی می‌کند. بعد از تیراندازی به همسر به قصد خودکشی، خودش را هدف اسلحه شکاری قرار می‌دهد که بر اثر اصابت گلوله جان خود را از دست می‌دهد.

احمدی خاطر نشان کرد: همسر متوفی که به ضرب گلوله مجروح شده برای درمان به بیمارستان منتقل شده و تحقیقات جهت تکمیل پرونده ادامه دارد.

■ ■ ■

بخش ۲۴ اعدامی در خوزستان

رئیس شوراهای حل اختلاف خوزستان گفت: با تلاش و کوشش اعضاء شوراهای حل اختلاف این استان در هشت ماه گذشته ۲۴ نفر از محکومین به قصاص از چوبه دار رهایی یافتند.

عبدالعباس زبیدی نیا معاون قضایی و رئیس شوراهای حل اختلاف خوزستان از رهایی ۲۴ نفر از محکومین به قصاص توسط اعضاء شوراهای حل اختلاف خوزستان طی هشت ماه گذشته خبر داد و گفت: اعضاء شوراهای حل اختلاف این استان با تلاش و کوشش خود توانستند طی هشت ماه سال جاری ۲۴ نفر محکومین به قصاص را از چوبه دار رها کنند و همچنین در این مدت ۱۳۳ پرونده به شعب ویژه زندانبان شورای حل اختلاف ارجاع داده شد که از این مجموع ۱۱۰ پرونده به صلح و سازش منتهومه و ۸۰ زندانی در این مدت آزاد شدند. وی افزود: ۲۶ درصد پرونده وارده به شوراهای حل اختلاف خوزستان افزایش و ۳۴ درصد از این پرونده‌های که قابل مصالحه بودند در هشت ماه گذشته با صلح و سازش منتهومه شدند.

■ ■ ■

جوان حیوان آزاد دستگیر شد

دادستان عمومی و انقلاب مرکز استان گلستان با اشاره به شناسایی متهم حیوان آزار در شهرستان رامیان گفت: متهم تحت پیگرد قانونی قرار دارد.

حجت الاسلام والمسلمین سید رضا سیدحسینی، دادستان مرکز استان گلستان در این باره اظهار داشت: در پی انتشار فیلمی در فضای مجازی مبنی بر حیوان آزاری در شهرستان رامیان موضوع در دست بررسی قرار گرفت.

دادستان مرکز استان گلستان تصریح کرد: در بررسی های انجام شده توسط پلیس فتا متهم شناسایی و دستور بازداشت وی صادر شد که اکنون متهم تحت پیگرد قانونی قرار دارد. وی در پایان گفت: حیوان آزار دیده نیز توسط انجمن حمایت از حیوانات نگهداری می شود.



با خودش در میان گذاشتم و از جواب های گستاخانه اش شو که شدم دوست داشتم حتی به دروغ هم که شده انکار کند اما زمانی که این موضوع را با وی در جریان گذاشتم آرش با کمال وقاحت به من گفت که بودن زنان در زندگی او به من هیچ ارتباطی ندارد و هر کاری که میلش بکشد انجام خواهد داد. باور کردنی نبود فکر می کردم دستپاچه شود اما او بی خیال بود به همین دلیل تصمیم گرفتم از آرش جدا شوم هنوز هم نمی توانم درک کنم او با وجود این زندگی لااوبالی که داشت چرا به خواستگاری من آمد و چرا اصلا اصرار به از دواج داشت لزومی نداشت. او زندگی خودش را داشت، چرا من را نبود کرد؟ حالا اصرار دارم با بخشیدن مهر به جدا شوم.

بنابه این گزارش؛ قاضی دادگاه خانواده پس از شنیدن ادعاهای این نوعروس دستور داد تا آرش احضار شود.

در دادگاه

این پرونده تلخ بعد از کامل شدن تحقیقات به شعبه دوازدهم دادگاه کیفری یک استان تهران فرستاده شد و صبح دیروز مقابل هئیت قضایی همان شعبه به ریاست قاضی تولیت و مستشار ملکی قرار گرفت. در ابتدای جلسه دختر گریان در جایگاه قرار گرفت و گفت: «بعد از به دنیا آمدن نوزاد، او را تحویل بهزیستی دادم چون این ماجرا باعث شد پدر و مادرم از هم طلاق بگیرند و من شرایط نگهداری از او را نداشتم. این اتفاق آبروی خانواده‌ام را برد و خودم نیز ضربه روحی و جسمی زیادی خوردم. برای ایرج در خواست اشد مجازات دارم.»

در ادامه پدر این دختر رو به هئیت قضایی در خصوص طلاق همسرش نیز گفت: «بعد از هفت ماه همسر م مجبور شد از اتفاقی که برای دخترم افتاده است مرا مطلع کند. این خبر برای من شوک بزرگی بود به همین خاطر تحمل آن سخت بود. از طرفی پنهان کاری همسر م

وارد خانه ایرج شدم او و دوستش به من نزدیک شدند و بدون توجه به التماس هایم هر دو مرا آزار دادند.»

تایید تجاوز

بعد از طرح این شکایت با دستور باز پرس پرونده دختر جوان به پزشکی قانونی فرستاده شد و وقتی کارشناسان تجاوز به او را تایید کردند دستور دستگیری ایرج و دوست شیطان صفتش صادر شد.

اعتراف شیطان

ماموران ابتدا ایرج را شناسایی و بازداشت کردند. این پسر شیطان صفت در مراحل بازجویی به رابطه با دختر جوان اعتراف کرد و با قبول جرمش روانه زندان شد اما همدستش متواری بود.

بارداری ریحانه

در حالیکه تلاش پلیس برای شناسایی و بازداشت دوست ایرج ادامه داشت، مأموران دریافتند دختر جوان در این تجاوز شیطانی باردار شده است و بعد از زایمان سر پرستی آن کودک از طرف بهزیستی به زوج دیگری سپرده شده است.

نوعروس ادامه داد: اصلا فکر نمی کردم دو

ماه بعد از این گردش ها و خوشی ها همه چیز تغییر کند انگار عشق آرش به من دکمه روشن و خاموش داشت و یکی ناگهانی دکمه خاموش آن را فشار داده بود آرش یک شبه عوض شد نمی دانستم چه اتفاقی افتاده است دیگر من را دوست نداشت دیر به خانه می آمد گاهی اصلا نمی آمد تلاش کردم شرایط را عوض کنم اما هر کاری کردم بی فایده بود خواستم با او حرف بزنم خیلی بی اعتنا بود مدتی بعد متوجه شدم آرش به هیچ چیز جز خودش اهمیت نمی دهد و اصلاً به خواسته های من توجهی ندارد.

نوعروس مکثی کرد و گفت: از عشق آتشین آرش هیچ اثری نبود آنقدر گریه می کردم که حتی نمی توانستم به درس هایم برسم پدرم که می گفت مثل مادرت بهانه گیری و اصلا جرات نمی کردم به مادرم بگویم آرش چه بلایی سرم آورده است چون حتما می شنیدم دل مادر و خاله ام خنک شده است یاد حرف های مادرم افتادم که می گفت پسر خاله ات با فهم و شعور است و بعد از دواج می توانی با میل خودت شخصیتش را بسازی اما گوشم بدهکار نصیحت های مادرم نبود و حالا در خانه آرش زندانی بودم نه راه پیش داشتم نه راه پس تا اینکه اتفاقات جدید افتاد.

سپیده گفت: خیلی طول نکشید تا بفهمم آرش بیش از خواسته های من به

کرده است.

سپیده ادامه داد: نمی دانستم خوشحال شوم یا نگران تا اینکه آرش به خواستگاری ام آمد آن روز از پشت پنجره دیدم پسر ی خوش هیكل سوار بر ماشین لاکچری جلوی در خانه مان است خانواده اش هم تیپ خوبی داشتند و تاج گلی در دستانش بود نمی دانم چرا همانجا دلباخته اش شدم بویژه اینکه فهمیدم او عاشقم شده است.

نوعروس گریان افزود: وقتی آرش، به خواستگاری ام آمد آن همان بار اول به مادرم که مخالف صد در صدی بود گفتم او را می خواهم و بدون شک با او خوشبخت خواهم شد. اگر چه از نظر تحصیلی من دو ترم دیگر لیسانس می گرفتم و او دیپلمش را هم نگرفته بود ولی در عوض چند سالن بدن سازی داشت و خیلی هم پولدار بود و تصور می کردم با یک شوهر که روز شکار هم است زندگی شادی خواهم داشت و همین کافی بود که بله بگویم و خیالبافی کنم.

از دواج

سپیده با کشیدن آهی گفت: به دلیل اصرار شدید من به طور رسمی نامزد شدیم و مدتی بعد از دواج کردیم آرش خیلی مهربان بود آنقدری که من شک می کردم مردی به این خوبی در دنیا وجود داشته باشد ماه عسل به ونیز ایتالیا رفتم دست و دلباز بودی می دانستم مادرم هیچ وقت من رانمی بخشد اما آرش را خیلی دوست داشتم.

دو ماه بعد

فوتبالیست در دادگاه تهران اعتراف کرد

تولد کودک بی گناه در دسیسه‌ای شیطانی



خبر

خواستگار بدنساز خانن از آب در آمد

رد پای پنج زن در زندگی تازه عروس

گروه حوادث: دختر جوان وقتی خواستگار خوش هیكل را سوار بر ماشین لوکس دید پای در زندگی گذاشت که پایش در ایستگاه دادگاه خانواده بود.

تازه عروس با گریه در برابر قاضی ایستاد و از برادر رفتن آرزوهایش گفت.

خواستگار لاکچری

چندی پیش دختری جوان در حالی که شش ماه از عقدش نمی گذشت پای در دادگاه خانواده ونک گذاشت و قاطعانه خواست تا از دامادی بی شرم جدا شود.

این نوعروس که سپیده نام دارد و ۲۴ ساله است با بغض زیادی گفت: قرار بود با پسر خاله‌ام که استاد دانشگاه است از دواج کنم آنها خواستگاری هم آمده بودند اما من سلیقه‌ام فرق می کرد. محمد خیلی فانتزی و کت و شلواری بود و من از مردان تیپ اسپورت و خوش اندام خوشم می آمد.

وی افزود: پدرم هم راضی نبود از خانواده مادرم دامادی داشته باشد. تا یک روز دیدم بین مادر و پدرم درگیری به وجود آمد مادرم مدام داد می زد خیر محمد بهتر است و پدرم قبول نمی کرد تا اینکه شنیدم در مراسم ختم نوه عمه‌ام که در نوجوانی فوت کرده بود پسر ی را دیدن من سراغ پدرم رفته و از من خواستگاری کرده است پدرم هم بهترین فرصت برای خواسته خودش را پیدا کرده و با خواستگاری آن پسر موافقت

پلیس فاش کرد:

اعترافات دزدان ۶۰ ثانیه‌ای پایتخت

گروه حوادث: جوان شیشه‌ای شب‌ها با پر سه زنی در پایتخت و در چشم بهم زدن دست به سرقت باتری خودروها می‌زد.

چندی قبل با افزایش پرونده‌های سرقت لوازم داخل خودرو و باتری در منطقه ابودر تهران، تیمی از ماموران کلانتری ۱۶۱ ابودر برای دستگیری عامل این دزدی‌ها وارد عمل شدند. ماموران در گام نخست پای در محل‌های سرقت گذاشتند و با بررسی فیلم دوربین‌های مدار بسته مشخص شد سارق جوان در کمتر از یک دقیقه به شیوه کلاف کردن درها اقدام به باز کردن در خودروها کرده و سپس دست به دزدی باتری خودروهای زند. تیم پلیسی خیلی زود با بررسی دوربین‌های مدار بسته توانستند سارق جوان که از مجرمان سابقه‌دار است شناسایی کنند.

تیم تجسس کلانتری با اقدامات فنی و پلیسی مخفیگاه سارق جوان را در جنوب تهران ردزنی کردند و در عملیاتی غافلگیرانه این سارق جوان دستگیر شد. سارق جوان پس از دستگیری به دزدی‌هایش اعتراف کرد و دو مالخر را که

اقدام به خرید باتری‌های سرقتی می کرد را لو داد. ماموران در ادامه تحقیقات دو مالخر باتری‌های سرقتی را دستگیر کردند که در تجسس ه‌ام مشخص شد که سارق جوان ۲۰۰ سرقت لوازم داخل خودرو و باتری داشته است. بدین ترتیب پس از شناسایی طعمه‌ای خودروها صبح دیروز تعدادی از مالباخته‌ها به کلانتری ۱۶۱ مراجعه کرده و باتری هایشان را پس گرفتند.

گفت و گو با دزد باتری ها

علیرضا ۳۰ ساله که اعتیاد به مواد مخدر شیشه دارد ادعا می کند تحت تاثیر مواد مخدر شیشه دست به سرقت می زده است.

سابقه داری؟

بله، به خاطر درگیری و حمل مواد مخدر دستگیر شدم.

به چه جرمی دستگیر شدی؟

باتری دزدی.

چرا دزدی؟

به خاطر تهیه پول مواد مخدر و دوستانم خواستند که

دست به دزدی بزنم.

پس اعتیاد داری؟

بله، ۲ سال است که شیشه می کشم.

چطور شیشه‌ای شدی؟

در جمع دوستانم بودم و با آنها همراه شدم و فکر نمی کردم معتاد شوم.

از دواج کردی؟

بله، صاحب یک فرزند هستم.

شیوه و شگرد دزدی؟

با دو تن از دوستانم سوار بر خودروتی پرشیا به سراغ خودروهایی که سیستم دزدگیر نداشتند می رفتیم و در چشم بهم زدن با شیوه کلاف کردن با همان خم کردن درها موفق به باز کردن در خودروهای می شدم و سپس باتری خودروها را سرقت می کردم.

مدت زمان سرقت تان چقدر بود؟

کمتر از یک دقیقه دزدی می کردم.

در چه مناطقی دزدی می کردی؟

در سطح شهر تهران پر سه زنی می کردیم و هر سوژه‌ای که می دیدیم دست به دزدی می زدیم.

چند باتری سرقت کردی؟

۲۰۰ باتری دزدیدیم.

هر باتری را به چه قیمتی می فروختی؟